

توضیح: آن چه در زیر ملاحظه می کنید متن پیاده شده نوار گفتگو بین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران (سال 1354) می باشد که از روی نوار های صوتی به صورت نوشتار در آمده است.

با سپاس از رفقای که در امر تبدیل گفتاری این مذاکرات به صورت نوشتاری، شرکت کردند.

چریکهای فدائی خلق ایران - دسامبر 2010

* * * * *

(نوار شماره هفت - قسمت دوم)

تقی شهرام: و بعد هم که شعار وحدت رو نوشتید باز هم میخواهین به قول معروف چشم تونو ببندید و بگید که اتفاقاً تحلیل ما این بوده، شما می خواهید چشم تونو ببندید و بگید که اصلاً دلتون هم نمی خواد این سازمان مثلاً مارکسیستی بشه و یا اگر هم، به هر حال این موضع را داشتید

حمید اشرف: اتفاقاً ما می خواستیم که سازمان مارکسیستی بشه و با اون متحد بشیم.

تقی شهرام: ما، ما عکس شو فکر می کردیم، علتش این بود که هر چه به شما می گفتیم (نامفهوم...)

حمید اشرف: چون وحدت مارکسیست ها درون جنبش مسلحانه معنیش چیه؟

تقی شهرام: آخه می دونی ما، ما در واقع، حدس ما، خود ما هم همین نظر را داشتیم، شما وقتی شعار وحدت مارکسیست ها دادید از، خیلی رک، از ترستون بود که مثلاً مبادا مارکسیست ها بیان تو یه سازمان مذهبی، ترس تون هم بجاست. ما هم موافقیم.

حمید اشرف: نه

تقی شهرام: نه

حمید اشرف: کدوم مارکسیست می خواد بیاد تو یه سازمان مذهبی

تقی شهرام: برای این که ترس هم داره، برای این که انحراف ایجاد می کنن و معلومه حرف هایی که اون جا زدید دقیقاً در همین رابطه ست.

حمید اشرف: ما گفتیم وحدت، وحدت بین مارکسیست ها

تقی شهرام: خیلی خوب وقتی که اون جا صحبت می کنید مارکسیست ها، اون جا منتظر (نامفهوم...)

حمید اشرف: مگه بینم مگه شما چه جنبه ای، شما خود به خود می گفتید که (نامفهوم...)

تقی شهرام: نه آخه می دونی چیه

حمید اشرف: چه جالب شد

تقی شهرام: نه آخه به چیزه

حمید اشرف: این گفتن مای نوعی را میگفتیم، مای نوعی که میخواهیم بشیم

تقی شهرام: نه، آخه به چیزه دیگه، درسته ما را گفتن ولی شما اون جا عملاً، انگیزه مال ما، چه نفعی داشت اگه می اومدیم طرح می کردیم شما فردا به چیز دیگه می گفتین چون عقیده تون مهم بود، از نظر ما عقیده تون این بودش شما

حمید اشرف: اگر شما

تقی شهرام: شما

حمید اشرف: (نامفهوم...) طبق همون مواضع اعلام شده در شعارهای وحدت، یک سازمان خلص مارکسیستی می شدین در اون چارچوب می گنجیدین (نامفهوم...) ما هیچ حرفی نداشتیم

تقی شهرام: آخه معلومه شما

حمید اشرف: مواضع مون هم اعلام شده بود

تقی شهرام: نه

حمید اشرف: اگر شما می خواستید یک سازمان التقاطی باشین به شکل پیچیده ترش طبعاً ما حرف مون رو زده بودیم

تقی شهرام: نه آخه ناراحتی، این طوری نمی شه

حمید اشرف: و حالا شمایی که نمی خواهی تقاطی باشی شمایی که می خواهی یک سازمان خالص مارکسیستی باشی چرا ناراحت شدی؟

تقی شهرام: ما ناراحتی مون از این بوده که شما چرا طرح شعارهای وحدت نیروهای مارکسیست رو دادین ما ناراحتی مون از این بود که شما، ما تحلیل مون این بود و هنوز هم راجع به این مسئله باید بحث کنیم چون هنوز این تحلیل رو ما پس نگرفتیم (نامفهوم...) شما بنا به اقتضائات مثلا روزمره این مقاله رو نوشتین، درست ضد اون چیزهایی که قبلا گفته بودین، یعنی چون شما دیدید اوضاع این طوره، واقعا بدون یه ارزیابی همه جانبه از اوضاع اومدید این شعار را دادین و منظورتون این بود که در واقع اون سازمان خیالی خودتون، از که اون چیز خیالی که از سازمان ما ساخته بودن به عنوان یه التقاط مذهب و فلان که دیگه وجود نداشت، این رو از نیروهای مارکسیست ایزوله کنید و نیروهای مارکسیست را جذب کنید. این درسته ما باید خوشحال می شدیم از جریان مثلا وحدت مارکسیست ها ولی به شرط این که شما انگیزه تون در این جریان واقعا

حمید اشرف: بگو ببینم

تقی شهرام: ها، تو متوجه اصلا شدی

حمید اشرف: آره خوب متوجه هستم . اما یک سنوالی داشتم.

تقی شهرام: آها، بگو

حمید اشرف: شما اگر واقعا پروسه مارکسیستی رو داشتید طی می کردید و به این هم معتقد بودید اون حرفی که ما زدیم شما می تونستید یه پوزخند بزیند به این مسئله

تقی شهرام: خوب

حمید اشرف: به این صورت که، اینا این فکر رو می کنن، بابا ما که

تقی شهرام: ما هم زدیم، ما زدیم

حمید اشرف: و بلافاصله عکس العمل چی می شد؟ عکس العمل می شد پاسخ شعارهای وحدت با تاییدش

تقی شهرام: ما هم زدیم، ما هم زدیم

حمید اشرف: بله ما هم تایید می کنیم

تقی شهرام: ما هم اون قسمت شو الان تایید می کنیم

حمید اشرف: بعد ما می اومدیم در اعلامیه بیان مواضع می اومدیم مطرح می کردیم

تقی شهرام: بیان مواضع چاپ شده بود اون موقع که شما به ما دادید

حمید اشرف: شاید در مقدمات در آخرین لحظات هم که نوشته می شد و

تقی شهرام: قبلا چاپ شده بود اصلا در واقع همین جلد یکش هم دراومده بود یکی ... الان هم با اون قسمت اش موافق، مخالف نیستیم ولی اون شکلی که شما مطرح کردید، آخه شکل قضیه و ابعاد و جوانب اش هم برین بررسی کنین، میذاریم میخوانیم بعد مطرح میکنیم، اون چیزی که شما اون جا مطرح کردید نمی تونست واقعا تمام و کمال خوش آیند باشه، شما

حمید اشرف: برای چی نمی تونست خوش آیند باشه؟

تقی شهرام: آها، می دونید برای چی

حمید اشرف: با زبان مارکسیستی نمی خورد (نامفهوم...)

تقی شهرام: برای این که سازمان مارکسیستی واقعا، برای یک سازمان مارکسیستی ... یک سازمان مارکسیستی که احساس مسئولیت جنبشی داره، بین شما چه جوری قضیه را حل کرده بودید، شما در اون جا قضیه را اون جوری حل کرده بودید که به بیان سازمان مجاهدین که خوب، هیچی، درباره سازمانی که التقاطیه و حالا باید بره مسئله شو روشن بکنه و از تمام نشریاتی هم که ما بهتون داده بودیم و این استنباط رو کرده بودین که ما می خواهیم کلاه بذاریم سر مردم و در عین حال دو دوزه بازی کنیم هم مثلا به مارکسیست ها بگیم مارکسیست ایم و هم به مذهبی ها بگیم مذهبی هستیم، از نشریات ما شما این استنباط رو کرده بودین، این خیلی مهمه، که این قسمت زیادی از بحث تون رو اختصاص داده بودین به این قضیه و این هم خوب مشخص بود که شما هنوز در این جا دارید، ... یعنی این تحولات سازمان ما را این طوری تحلیل می کنید، این معنایش این می شه که شما واقعا اگر هم تحت شعار وحدت مارکسیستی دادید واقعا نه به خاطر وحدت مارکسیست ها بلکه به خاطر این که زمینه این نوع مثلا فرض کنیم که برخوردهایی که ما می خواستیم در جنبش به وجود بیاریم حتی اگر در واقع اعلام بکنیم مواضع مارکسیستی مون رو، این زمینه را به یه شکلی چه کار بکنید، یعنی در واقع چون این تصور را داشتید از نظر این دوره سازمان ما، از این نظر وقتی که شما شعار وحدت مارکسیست ها را می دادین ما نمی

تونستیم به شعار شما اطمینان داشته باشیم و فکر نکنیم که اگر فردا اومدیم گفتیم خیلی خوب حالا شعار شما قبول ولی در عین حال این مسایل رو هم داره و در عین حال مسئله جبهه هم مثلا به این دلایل ضرورت داره، اون موقع وقتی می مونه ما هنوز واقعا این مسئله هم قابل بحثه شما از کجا معلوم که وقتی شما با چنین انگیزه ای، چنین مواردی را نوشته بودید فردا برنگردی به چیز دیگری را طرح نکنید که خوب عملاً باز

حمید اشرف: ببینم هدف ما چی بود از این کار؟

تقی شهرام: ... هدف شما؟ گفتیم از اول، از نظر ما در اون موقع این بودش که تمام

حمید اشرف: هدف ما اصولی بود یا اصولی نبود؟

تقی شهرام: هدف شما کامل نبود.

حمید اشرف: اصولی بود یا نبود؟

تقی شهرام: کجاش اصولی بود؟ اصولی به چه معنا؟ به معنای جنبشی نه، یعنی شما می خواستید در این جریان موضع خودتون رو نسبت به نیروهای، در واقع موضعی نه، شما در واقع می خواستید این کار رو بکنید که مارکسیست ها را به بهای، این خیلی نکته مهمیه، مارکسیست ها را به بهای ایزوله شدن کمونیست ها از جنبش های دیگه انقلابی، از جنبش طبقاتی دیگه جدا بکنید به این بها که مبدا بدام مثلاً سازمان ما بیفتند، می دونید، از این نظر اصولی و انقلابی نبود ولی از این نظر که شما اون جا روشن ساختید که بله مارکسیست ها به سازمان های خودشون برن، باید، جبهه معنانش اینه، نمیدونم سازمان باید اینو داشته باشن ولی از این نظر که شما

حمید اشرف: حالا که سازمان شما این همه کلیت خود شو رو

تقی شهرام: آخه ما فکر می کردیم که برای شما دیگه مشخصه با اون مقالات، ظاهرا

حمید اشرف: این رو بارها و بارها گفته بودین مشخصه

تقی شهرام: خوب، خوب این

جواد قانادی: آخه این مقاله را شاید که تو اردیبهشت نوشته شده باشه

تقی شهرام: (نامفهوم...) این مقاله را تازگی ها نوشتین؟ نه به سنوآل داریم ما، این مقاله را شما اردیبهشت نوشتین؟

حمید اشرف: این مقاله را رفیق تو اون جلسه ای که راجع به مقاله بحث وحدت بین کمونیست ها، کی بود؟ نه اردیبهشت نیست، مشخصا بعدشه.

جواد قانادی: خوب همین مسئله

حمید اشرف: 11 خرداد

تقی شهرام: آ، ببین

جواد قانادی: مثلا اون جا مسئله عوام فریبی را مطرح می کنید، این اصلاً مستقیماً به کی برمی گرده؟

تقی شهرام: آره به ما برمی گرده، مهم نیست، به اون سازمان مثلا خرده بورژوازی برمی گرده، مهم نیست.

حمید اشرف: به اون سازمان خرده بورژوازی برمی گرده

بهروز ارمغانی: اجازه بدید من به دقیقه، من به سنوآلی مطرح کنم

تقی شهرام: بفرمایید

بهروز ارمغانی: من یادمه 11 یا 13 خرداد بود، این باید باشه

حمید اشرف: چون ما این مقاله را اتفاقاً تو به جلسه ایی خوندم اش گفتیم بزنیم یا نزنیم؟ و بعدش هم رفقای گفتن که این چیز کنیم، اینو بذاریم به بحث سازمانی تون، چون با توجه به این که رفقا همون جریان مجاهدین را سازمان التقاطی تصور می کردن این مسئله مطرح بود و در صورتی که حالا درسته که ما این جا، چون موضع گیری بود، موضع گیری در مقابل چی؟ در مقابل سازمان التقاطی

بهروز ارمغانی: تازه غیر از این، به مسئله هم الآن من دقیقاً یادم میاد اینه که اون موقع بحث بر سر این بود که در این سازمان التقاطی ما باید جناح مارکسیستی، اگر وجود داره تقویت بکنیم یا نه؟

حمید اشرف: آره و این بود که تقویت بکنیم

تقی شهرام: خوب اگر این (نامفهوم...)

بهروز ارمغانی: (نامفهوم...) اون موقع متوجه نبودیم مثلاً

تقی شهرام: بله

بهرروز ارمغانی: بعد این بحث را شروع کردیم و گفتیم که انتشار این مسئله به عناصر مارکسیستی در درون این سازمان التقاطی کمک می‌کند، این برداشت ما از این قضیه است حالا من می‌گم چرا؟

تقی شهرام: حالا این قدر کمک کرد که کجا رفت؟ همه شون مارکسیست شدن

بهرروز ارمغانی: خوب حالا اون رو شما باید، شما فرض کنید این تصور را داشته باشید که ما تا وقتی شعار وحدت را می‌نوشتیم قضیه مارکسیست شدن سازمان مجاهدین بطور کلی را نمی‌دونستیم و ... در واقع برای ما این بود گرایش‌های چپی رو، بیش‌تر به چپی رو می‌دیدیم در سازمان مجاهدین

تقی شهرام: من از شما یه سنوالم دارم

بهرروز ارمغانی: بله

تقی شهرام: چطور ممکنه تو یه سازمان مذهبی، التقاطی حتی، مقاله وحدت نوشته بشه و این پخش بشه تو سازمان، که به شما هم داده بشه، اگر اون مقاله (نامفهوم...) رو بردارین بخونین الان (نامفهوم...)

حمید اشرف: مقاله، اون مگر 11 خرداد بدست ما نرسیده بود

تقی شهرام: یعنی به هر حال این قبل از

بهرروز ارمغانی: نه این وقتی بود که شما آیه رو برداشتین رفیق، لپ مطلب این بود. شما آیه رو برداشتین از روی یکی از اعلامیه‌ها تون، و ما این رو دیدیم از رو آرم تون برداشته بودین ولی زیر اعلامیه تون بود (نامفهوم...) مال زندگی پوره

جواد قاندي: ماله؟ مال آمریکایی‌ها، ما از روی آرم برداشتی

بهرروز ارمغانی: نه، آمریکایی‌ها نه، مال زندگی پور مثل این که، رو خود اعلامیه بود ولی رو آرم تون آیه نبود

جواد قاندي: نه نه هم چه چیزی نبود

تقی شهرام: همچه چیزی نداریم، نه، اصلا نداریم

جواد قاندي: خُب آیه بود ولی (نامفهوم...)

تقی شهرام: ... مدتها هم چون چیزی (نامفهوم...)

حمید اشرف: شاید همون موقع بود که آیه رو برداشته بودین

بهرروز ارمغانی: آیه رو برداشته بودین

جواد قاندي: (نامفهوم...) بله آمریکایی‌ها

بهرروز ارمغانی: هان، همین دیگه، این مسئله برای ما سنوالم برانگیز بود چرا آیه رو برداشتن، توجه می‌کنید

تقی شهرام: خوب

بهرروز ارمغانی: این سنوالم بود برام

تقی شهرام: خوب چرا شما نیامدید از ما سنوالم کنید؟ حالا من سنوالمی از شما بکنم

حمید اشرف: آخر شما قبلا سنوالم کرده بودید ما خواسته بودیم که رفقا نظرات شون رو به ما بدن، نداده بودن

تقی شهرام: در مورد چی؟

حمید اشرف: ما گفته بودیم مسئله وحدت (نامفهوم...)

تقی شهرام: شما نمی‌اومدید بگید که آقا چون شما آیه را برداشتید مارکسیست شدید؟ چی هستی؟ آخه

حمید اشرف: ما می‌دونستیم که یک چنین بحث‌هایی در درون سازمان (نامفهوم...)

تقی شهرام: خوب پس اگر این قدر می‌دونستید خب نتیجه ش معلوم می‌شه

بهرروز ارمغانی: اتفاقا ما یک تحلیلی هم که کرده بودیم گفتیم شاید رفقای مجاهد نه به خاطر این مسئله مارکسیست شدن این را برداشتن، بلکه به خاطر این که خوب مسئله مبارزه بر ضد رژیم و ضد امپریالیسم می‌تونه مثلا گروه‌هایی از به

اصطلاح مسیحیان بر بگیره

تقی شهرام و جواد قاندي: (خنده ...)

بهرروز ارمغانی: این هم می‌تونه به قضیه، چه اشکال داره این، آخه برداشتن آیه که دلیل بر مارکسیست - لنینیست بودن

سازمان نمی‌تونه باشه

تقی شهرام: خوب، جالبه

بهرروز ارمغانی: بعد حالا این بحث رو این طوری ادامه بدیم که ما قصدم در این مورد که این مقاله را نوشتیم به این دلیل نوشتیم که اگر سازمان التقاطی وجود داشته باشه مثلا سازمان مجاهدین، سازمان التقاطی باشه، بهتر است که

مارکسیست‌هاشون در درون یک سازمان مشخص

تقی شهرام: مارکسیستی

بهرروز ارمغانی: مارکسیستی متحد بشن

تقی شهرام: بله، حرف شما درسته

بهرروز ارمغانی: همین

تقی شهرام: ولی خوب می گم دیگه، وقتی که اینو می داریم در کنار اون جریانات گذشته و روابط شما

بهرروز ارمغانی: بین تو اون مقاله رو، نه بر اساس خود مقاله، بر اساس این که مثلاً به دست تون اون موقع رسید و شما

در اون موقع در شرایطی بودید

تقی شهرام: بله

بهرروز ارمغانی: که دیگه مثلاً اعلام مواضع کرده بودین

تقی شهرام: بله

بهرروز ارمغانی: این مسئله اون جا به این شکل

تقی شهرام: برامون این طوری هست

بهرروز ارمغانی: این یه مسئله دیگه ست. ما (نامفهوم...) حقیقت قضایا (نامفهوم...)

تقی شهرام: همین، همین که براتون توصیف کردم

بهرروز ارمغانی: و این طور به نظر من بایستی، نمی دونم حالا چطوری می شه اثباتش کرد اینو

تقی شهرام: کدوم؟ که چی؟

بهرروز ارمغانی: همین که آیا واقعیت امر چی بوده؟

تقی شهرام: که

بهرروز ارمغانی: چون مسئله بحث بر سر خود شعار وحدت نیست مسئله تعبیر شعار وحدتیه که در زمان مشخص به دست

میاد، بدست ما رسید

تقی شهرام: بله، در زمان مشخص و در روابط مشخص، یعنی ما که دیگه اصلاً یعنی در واقع تو دهنی محکمی به همون

واقعا تمایلات وحدت طلبانه ما، که، و بعد انگیزه های...

بهرروز ارمغانی: به وحدت طلبانه شما نه ها. شما مارکسیست نه. شما التقاطی

تقی شهرام: همین چیزی که (نامفهوم...) ما مطمئن نبودیم اگر ما وقتی مستقلاً اعلام می شد شما یه چیز دیگه نگید که

در واقع این هم نه

بهرروز ارمغانی: خب این هام که، خوب (نامفهوم...) این پیش داوری ما نمی تونیم الان بکنیم

تقی شهرام: آره (نامفهوم...)

بهرروز ارمغانی: شما می گوئید اگر ما یه چیز دیگه می گفتیم، چی می گفتیم؟

تقی شهرام: نه می دونم چی می گید شما، ولی آخه ما زمینه داشتیم اینو می دونیم که ما اومدیم جلو، اومدیم جلو این

مسئله رو در اختیار شما گذاشتیم اینو گفتیم بعد یهو مثلاً اون جا طرح مسئله وحدت را دادیم تو مقاله از یه موضع

کمونیستی ما داریم برخورد می کنیم، بعد یهو با یه هم چه حرفا، جریانی مواجه می شیم، ما اصلاً می گم وقتی از موضع

اصولی، ما این جا با اون مواضع اصولی به اون معنا قبول داریم از اون معنا هم از اون ناراحت نیستن که با شما مسئله وحدت

مارکسیست - لنینیست ها را طرح کردین چون به هر حال خود این دامن شما را می گیره و حالا در واقع باید پاش واپسین،

در واقع این مسئله است، ولی به واقعا چیز بدی هم نبود، چیز درستی بود ولی این معنایی که ما امروزه مسئله را حالا طرح

مسئله جبهه این معنای مشخص سیاسی داره، یعنی ما برای، برای در واقع اون طور که من توضیح دادم، ما برای این یه

معنی ایی در عین حال داشتیم (نامفهوم...) یعنی برای ما هم وقتی اینو خوندم در این ها تناقضی نداشت، یعنی اگر واقعا

شما به اصطلاح ثابت بودید در نظر خودتون راجع به وحدت نیروهای مارکسیست، این جا در عین حال تناقضی نداشت با حرف

ما

بهرروز ارمغانی: بله

تقی شهرام: برای این که ما از مسئله جبهه یک تحلیل سیاسی داشتیم، یک تحلیل سیاسی تشکیلاتی داشتیم تو

جنبش، که در عین حال مسئله وحدت نیروهای مارکسیست معتقد به خط مشی مسلحانه هم در راس اش قرار داشت و ما

همه جا اتفاقاً اینو به عنوان مسئله خیلی مهمی طرح کردیم که به این ترتیب قدرت پیدا می کنه جنبش مسلحانه، و با

قدرت میره به سمت حریف هاش، به اصطلاح این، این مسئله است.

بهروز ارمغانی: من فکر کنم (نامفهوم...) در رابطه با اون مسئله شعارهای وحدت و حریف ما الان این جا صحبت می کنه در باره این قضیه، بحث تعابیره، به نظر من
جواد قائدی: خیلی زیاد اون طوری شده

بهروز ارمغانی: شما می گوئید بله این رو آیا واقعا اردیبهشت نوشتین، نکته که مثلاً اینو فرض بگیر مثلاً در یک شب نوشته باشین، به محض این که مثلاً اطلاع پیدا کردین از مواضع ما این رو نوشتین (نامفهوم...) نوشتین و خیلی سریع هم چاپ کردین یا مسئله مثلاً عقب نیفتین مثلاً حالا یا همچه چیزی
تقی شهرام: مثلاً می دونی خیلی از بچه‌ها چیزهایی که بین ما
بهروز ارمغانی: من احساس میکنم هم چین چیزی باشه

تقی شهرام: ببینین خیلی از بچه‌ها می گن که آقا چطور شد که مثلاً اردیبهشت دادین دست ما می رسید و بعد می گن که مثلاً نشون که مثلاً توش هم به چیزایی هستنش که نشون می ده که نمی دونم گفتن خبری که نمیدونم که مثلاً میگن بله راجع به چاپش اینا بود و این مثلاً گفتن این نشون می ده تازه مثلاً از طرح اومده بیرون، یا مثلاً تازه چاپ شده، یا مثلاً خرده‌هایی و فلان هست
بهروز ارمغانی: این ها (نامفهوم...)

تقی شهرام: اصلاً اینا چرا تو دانشکده بحث نشده، می دونی، چیزایی که می گن دیگه، حُب اجباراً ما می‌شنویم، من نمیخوام (نامفهوم...) منظور من اینه که به چیزایی را به وجود میاره یعنی شما چنین برخوردهایی داری میکنی درست در (نامفهوم...)

حمید اشرف: حالا بیاییم رفقا، حالا گذشته از این ما میخوایم بحث های اصولی بکنیم
تقی شهرام: بکنیم

حمید اشرف: یعنی اصولیت این قضیه را مورد بحث قرار بدیم بعد تعبیر و تفسیر و ناراحتی ها و این ها، ببینیم این واقعا درسته، این شعارهایی که ما مطرح کردیم
تقی شهرام: بله

حمید اشرف: درسته یا غلطه، این شعار را باید بدهیم

تقی شهرام: ما به شعارتون معتقدیم بهش، ما به شعار شما معتقدیم، ولی این معنانش این نیستش که نیروهای دیگه مبارزه را نادیده بگیریم و بعد هم شما روشن کنید که موضع تون راجع به این تفسیری که ما از مسئله جبهه کردیم چیه؟ ما حرف شما را قبول داریم وحدت نیروهای مارکسیست معتقد به خط مشی مسلحانه
حمید اشرف: (نامفهوم...) وحدت نیروهای مارکسیست مقدم بر وحدت نیروهای دیگه

تقی شهرام: مقدم یعنی چی؟

حمید اشرف: یعنی جلوتر از اون، از نظر زمانی

تقی شهرام: آخه زمانی یعنی چی؟ بین الان یعنی معنانش

حمید اشرف: یعنی اول

تقی شهرام: یعنی از نظر عملی می گی

حمید اشرف: یعنی از نظر تبلیغاتی، از نظر (نامفهوم...)

تقی شهرام: خوب اون آگه می خواهی، گوش کن ببین، به چیزی من (نامفهوم...)

حمید اشرف: برنامه ای مقدم بر (نامفهوم...)

تقی شهرام: ببین، من، این طوری میخوای بگی، ببین آگه می خواهی از نظر عملی بگی، الان ما می تونیم اگر قرار بشه این مسئله در دستور قرار بگیره ما، هر، در واقع هر دو گروه موظف اند هر نوع فعالیت دیگه به اصطلاح با گروه های دیگه رو متوقف کنن، اینو بذارن تو دستور، این می شه از نظر تقدم هر نوع بگی، حتی از نظر عملی دیگه، عملاً مقدمه، ما به این معتقدیم ما این را در یک گام، مثلاً چند تا مسئله پیش ببریم، اگر واقعا دو تا سازمان با هم متحد قراره بشن، دیگه دلیل نداره که مثلاً ما بریم با این گروه های مذهبی مثلاً بحث کنیم (نامفهوم...) اون سازمان واحد خواهد رفت

چریکهای فدائی خلق ایران

www.siahkal.com

www.ashrafdehghani.com

e-mail: ipfg@hotmail.com

چریکهای فدائی خلق ایران